

تحلیل جرم‌شناختی پدیده‌ی شرکت‌های هرمی

محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی* سمیرا خادم**

چکیده

پدیده‌ی شرکت‌های هرمی به بهانه‌ی توسعه بازاریابی شبکه‌ای و تجارت الکترونیک در ایران ظهور کرد و اثرات مخربی برجای گذاشت. واکنش به این پدیده، در سال ۱۳۸۴ از طریق جرم‌انگاری و تصویب ماده واحده‌ی الحاقی به قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی، صورت گرفت. لیکن افزایش آمار پرونده‌ها نشان داد که جرم‌انگاری موثر نبوده است؛ لذا توجه به علل و عوامل و کاربرد واکنش‌های غیرکیفری ضروری می‌نماید. علل و عوامل فردی چون حرص و آز، ناآگاهی افراد، تمایل به استقلال و رشد فردی، عدم احساس امنیت اقتصادی موجب وقوع این جرم می‌شود. علل و عوامل ساختاری در نظام اقتصادی و اجتماعی چون بیکاری، عدم شایسته‌سالاری، زمینه‌های ارتکاب این جرم را ایجاد می‌کند. احترام به حقوق اقتصادی و اجتماعی اعضای جامعه و آموزش و فرهنگ‌سازی جهت کمک به رشد شخصیتی افراد در قالب پیشگیری اجتماعی و حمایت از بازاریابی شبکه‌ای و حقوق مصرف‌کنندگان در قالب پیشگیری

* دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم dr_hajidehabadi@yahoo.com

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه قم (نویسنده‌ی مسئول)

khadem.samira@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۳۰

وضع‌ی، از جمله راهکارهای مفید غیرکیفری است.

واژه‌های کلیدی: شرکت‌های هرمی، بازاریابی شبکه‌ای، پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی، علت‌شناسی.

۱. مقدمه

فعالیت و حضور شرکت‌های هرمی در جامعه‌ی ایران که در چشم‌انداز توسعه‌ی تجارت الکترونیکی شکل گرفت، یک فعالیت غیر سازنده، ماهیتاً و فی‌نفسه مجرمانه و معارض با نظام اقتصادی کشور بود که آشکارا موجبات ارتکاب اعمال مجرمانه‌ی دیگری چون کلاه‌برداری، اخاذی و... را در لوای فعالیت‌های به ظاهر اقتصادی و مشروع فراهم آورد و سبب‌ساز سوداندوزی عده‌ای و تباهی جمعی افزون‌تر را فراهم آورد. این نوع فعالیت، اساساً یک سیاست غیراقتصادی و سودگرانه است که از منظر قوانین تجاری و کیفری ایران، هیچ‌گونه توجیهی نداشته و سراسر مخل امنیت اقتصادی بوده و مجرمانه است؛ بنابراین، با شفاف‌سازی رویکرد این شرکت‌ها و به دست آوردن تفسیری درست از چرایی گرایش به سوی شرکت‌های هرمی می‌توان در درک ابعاد و تبعات حضور چنین شرکت‌هایی در جامعه مفید فایده واقع شده و از زوایای تاریک این عنصر به ظاهر تجاری اما مخرب و غیر قانونمند پرده برداشت.

بررسی این پدیده و چرایی بروز آن در تعداد کثیری از اعضای جامعه، نیازمند ارزیابی همه‌جانبه‌ی آن در ابعاد فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. از طرف دیگر، با کشف علل و عوامل، می‌توان تدابیری را اتخاذ نمود تا از وقوع این جرم پیشگیری شود؛ چرا که پیشگیری بهتر از درمان است و عاقلانه‌ترین کار این است که علاج واقعه را قبل از وقوع نمود. همان‌طور هم که مشاهده شده، استفاده‌ی صرف از تدابیر مجازات محور، نه تنها نتیجه‌ی مطلوبی را در بر نداشته بلکه اختلافات و تنش‌های فراوانی را به دنبال داشته است. لذا مسئله اساسی پیش‌رو عبارت است از «تبیین علت شناختی و جرم‌شناختی فعالیت شرکت‌های هرمی و شناسایی الگوهای پیش‌گیرنده در مواجهه با آن‌ها»؛ به همین منظور در این مقاله با جستاری در مورد علل و عوامل وقوع این بزه با

عنایت به نظریه‌های مطرح در جرم‌شناسی (مبحث اول)، تدابیر و راه‌حل‌های غیرکیفری (مبحث دوم) نیز ارائه می‌گردد.

۲. علل و عوامل پدیده‌ی شرکت‌های هرمی

به منظور کشف علل و عوامل وقوع این پدیده، سعی شده علاوه بر بهره از کتب نویسندگان و تحلیل قضیه بر این مبنا، به تعدادی از پرونده‌ها با موضوع مدنظر رجوع و با قضات آن گفتگو شود تا هم با استناد به دیدگاه‌های صاحب‌نظران و هم با تکیه بر مطالعات عینی و مصاحبه‌های اکتشافی بتوان تصویر دقیق‌تری از ابعاد و علل و عوامل مؤثر در این پدیده را به دست آورد.

مطالعات و آماره‌های موجود گویای این است که پیکان این شبکه‌های هرمی به سمت جوانان (از هر دو جنس) نشانه رفته که با ویژگی‌های گوناگون، از قبیل تحصیلات (عموماً بالای دیپلم) و طبقات اجتماعی مختلف، به این فعالیت مشغول هستند. افزایش اعضای این شرکت‌های بازاریابی، با توجه به محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های قانونی این سؤال را مطرح می‌کند: «انگیزه‌ها، عوامل و گرایش جوانان به این گونه فعالیت‌های به ظاهر صرفاً اقتصادی کدام است؟ تأثیرات آشکار و پنهان، مثبت و منفی آن برای افراد و جامعه چیست؟»

قانون طبیعت، این‌گونه اقتضا کرده که تمایل موجودات به سمتی هدایت شود که نیازهایشان را برطرف سازد. نگرستن به پدیده‌ی شرکت‌های هرمی از این منظر، ذهن انسان را به این مطلب رهنمون می‌سازد که از طرفی به طور قطع، افراد جامعه ما مشکلات مشترکی دارند و از طرف دیگر، جاذبه‌هایی درون این شرکت‌ها وجود دارد که خلأها و حداقل نیازهای جامعه ما را به ظاهر پر می‌کند و همین امر، عامل اصلی گرایش شدید به سمت عضویت و عضوگیری است.

مسائل مربوط به نظام اقتصادی و اجتماعی ایران، از برجسته‌ترین علل و عوامل این پدیده به نظر می‌رسند. مطالعه‌ی کتابها و مقالات و نیز تعدادی پرونده (با توجه به وضعیت زندگی اعضا) و گفتگو با قضات مؤید این ادعاست. سخن از علل و عوامل فردی، به

معنای توجه به ویژگی‌های شخصیتی نیز، در وقوع این پدیده بی‌تأثیر نیست. لذا در این مبحث به تجزیه و تحلیل علل و عوامل فردی (گفتار اول) و علل و عوامل ساختاری (گفتار دوم) می‌پردازیم.

۲.۱. علل و عوامل فردی

با عنایت به مطالعات صورت گرفته اعضای این شبکه‌ها را از منظر انگیزه‌ی فعالیت، وضعیت روحی و رضایت از زندگی و یا ناهنجاری‌ها و اختلالات در زندگی فردی، می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود. عده‌ای از ناهنجاری فردی رنج می‌برند و عموماً وضعیت شغلی و مالی پایینی دارند و معمولاً تحصیلات دیپلم به پایین دارند. عده‌ی دیگر قبل از ورود به این کار، احساس آنومیک فردی ندارند و از لحاظ روحی و شغلی و مالی رضایت دارند و معمولاً تحصیلات لیسانس به بالا داشته موقعیت شغلی و اجتماعی بالاتری دارند. (ذکایی و اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۱۹) دسته‌ی اول که قشرهای متوسط و پایین جامعه‌اند به دنبال کسب درآمد و یافتن مجاری درآمدی دیگری جهت امرار معاشند و درصددند که با ریسک کردن و آزمودن شانس خود بتوانند، در مدت کوتاهی، به سود قابل توجهی دست یازند. دسته دوم، معمولاً سرمایه‌دارانی هستند که به دنبال انباشت ثروت با سرمایه‌های دیگران هستند. اغلب این‌ها، مؤسسان اولیه‌ی شرکت و یا کسانی‌اند که توانستند زیرمجموعه‌های خود را گسترش دهند. در اینجا چیزی جز حرص و آز و کسب سود از طرق نامشروع، نمی‌تواند راه‌اندازی چنین سیستمی را از سویشان توجیه کند.

اما تقریباً تمامی این افراد اشاره‌های مستقیم و آشکار به آنومی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارند و احساس و اندیشه‌ی آن‌ها این است که در جامعه‌ای آنومیک زندگی می‌کنند. جامعه‌ای که افراد در جایگاه خودشان نیستند و استثمار شده‌اند. (همان: ۱۹)

از علل گرایش افراد، به ویژه نسل جوان، به سمت این شرکت‌ها دست‌یابی به ثروت‌های کلان، عدم احساس امنیت و اطمینان نسبت به آینده به‌ویژه در امور اقتصادی، ناشکیبایی افراد در تمام امور زندگی است که البته خود به نوعی از ویژگی‌های این عصر

نیز محسوب می‌شود که بر اساس آن سرعت و رقابت - گاهی رقابت ناسالم - حرف اول را می‌زند. همچنین توجه صرف به سرمایه به طور افراطی، به رشد خصلت‌های منفی درون انسان از جمله حرص و آز دامن می‌زند که سبب می‌شود که نگاه انسان از طرق مشروع جهت کسب سود، به طرق نامشروع متوجه گردد و درصدد ارتکاب جرائم هوشمندانه‌ای برآید که بتواند به منافع مادی و اهداف منفعت‌طلبانه خود جامه‌ی عمل بپوشاند.

از مهم‌ترین دلایل ترغیب‌کننده افراد^۱ به سوی این شرکت‌ها، میل به تشویق شدن و مورد قدردانی قرار گرفتن، شخصیت جالب افراد این حرفه، نگرش مثبت، رفتار دوستانه و علاقه به رشد فردی و میل کمک به همدیگر که به عنوان فرهنگ در این قبیل فعالیت‌ها نهادینه شده است که مردم را به سوی این تجارت می‌کشاند. بیشتر اوقات مردم آن‌چنان درگیر روزمرگی و دچار سرخوردگی ناشی از نیاز به رقابت با بقیه و پیشی گرفتن از آن‌ها می‌شوند که عزت نفسشان را از دست داده، سپس نگرش و به دنبال آن، سلامتی‌شان رو به سیر قهقرایی می‌گذارد. در صورتی که در اکثر این شرکت‌ها از طرق مختلفی مثل جلسات هفتگی، نوارهای صوتی و تصویری و کتابچه‌های راهنما، توزیع کنندگان‌شان را ترغیب می‌کنند که بیش از تجارتشان، روی خودشان کار کنند. (زیگلار و هیز، ۱۳۸۹: ۲۳)

بنابراین، با افزایش اعتماد به نفس و رشد شخصیت، افراد به موفقیت‌های دیگری دست می‌یابند که آن را حاصل فعالیت در این شرکت‌ها تلقی می‌کنند. در نتیجه طبیعی است که افراد تصمیم بگیرند با عضویت در یک شرکت هرمی، برای ارضای نیازهایشان گامی هر چند نادرست بردارند.

این وضعیت را می‌توان از دیدگاه هیرشی، این‌گونه تحلیل نمود. به نظر وی قیود اجتماعی دارای چهار عامل یا بعد هستند؛ این ابعاد عبارتند از: پیوستگی، درگیر بودن، تعهد و اعتقاد. (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۶: ۲۱۱-۲۰۸) انطباق این عوامل در مسیر عضویت در یک شرکت هرمی و فعالیت در آن، به عنوان یک گروه، به صورت زیر می‌انجامد.

با عضویت در یک شرکت هرمی، نسبت به فعالیت در آن تعهد به وجود می‌آید. در

اثر جلسات مستمر و نظارت سرشاخه‌ها، پیوستگی و همبستگی زیادی بین فرد و سرشاخه‌ها و زیرمجموعه‌ها ایجاد می‌گردد. این عامل، به علاوه تشویق و حمایت سرشاخه‌ها، باعث می‌شود که فرد عضو شده، تمام هم و غم خود را برای پیدا کردن اعضای جدید و گسترش زیرمجموعه‌ی خود متمرکز کند، به حدی که فرصتی برای دیگر فعالیت‌هایش پیدا نمی‌کند. نتایج چنین درگیری افراطی، به متلاشی شدن خانواده و انصراف از کار قبلی و تحصیل و ... می‌انجامد. از آنجایی که سرمایه و وقت خود را صرف چنین فعالیتی نموده و با پشتیبانی سرشاخه‌ها و تحت تأثیر آموزش‌ها تا رسیدن به نتیجه‌ی دلخواه و کسب ثروت کلان، (بر مبنای احتمالات واهی آموزش داده شده) صبر می‌کند و حاضر نیست به هیچ قیمتی از تلاش سراب گونه‌ی خود دست بردارد.

در نهایت، همه این عوامل دست به دست هم می‌دهند تا وی نسبت به کار و نتیجه قطعی و حتمی از آن، ایمان و اعتقاد قوی پیدا کند. ایجاد چنین باوری باعث می‌شود بهای سنگینی را بپردازد. بهایی که متأسفانه زمانی متوجه می‌شود که آسیب‌های مادی و معنوی بسیاری را متحمل شده و به وعده‌های حباب گونه مؤسسان پی برده و نمی‌تواند کاری از پیش برد.

نظر به فرآیند تحلیل شده، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که پیامدهای حاصل از چنین فعالیتی، از قبیل اختلافات خانوادگی و فروپاشی آن، انفعال استعدادها، استعفا دادن از کار، مرخصی و انصراف تحصیلی دانشجویان و... قابل پیش‌بینی است و می‌توان علت این پیامدها و آسیب‌های روانی - اجتماعی را دریافت.

از منظر دیگر، امروزه یکی از خصلت‌های بسیاری از جوانان، جدا شدن از گذشته و نگاه به آینده است. فعالیت در چنین شبکه‌های تجارتي اینترنتی، به نوعی تحول و فاصله‌گیری یک نسل از نسل‌های موازی خود محسوب می‌گردد که دارای ویژگی‌ها و جهت‌گیری فکری و ارزشی خاصی است که در غرب به «نوگرایی متأخر» این نسل تعبیر شده است. (ذکایی «سخنران همایش بررسی بازاریابی شبکه‌ای»، ۱۳۸۵: ۷)

فعالیت در این شبکه‌ها، به همان اندازه که در طول هویت‌های ثابت اجتماعی مانند طبقه، جنسیت، مکان و زندگی صورت می‌پذیرد، در طول ارزش‌هایی نیز شکل می‌گیرد که با محوریت عقلانیت ابزاری، کنش‌های اعضا را شکل می‌دهد؛ با این حال، از جمله

دلایل موفقیت این شرکت‌ها، ترکیب کنش عقلانی با کنش‌های عاطفی و بالأخص توجه به سنت‌ها (دوستی، خویشاوندی و خانواده‌مداری) است. در بیشتر موارد کنش سنتی و عاطفی ارجحیت بر کنش عقلانی دارد. غالب افراد علت ورود خود را اعتماد، پیشنهاد دوست یا اقوام خود عنوان کرده‌اند. ماجراجویی و خطرپذیری، اهمیت به ارتباط برقرار کردن به شیوه‌ای متفاوت، میل به رفاه، مصرف‌گرایی و توجه به سبک زندگی در کنار نوین بودن کار، ضرورت اعتماد کردن، انضباط فردی و گروهی، ضرورت و توانایی تغییر و مثبت اندیشی، توجه هم‌زمان به نفع فردی و گروهی، کنترل فرد بر کار خویش و استقلال عملی که در اثر فعالیت در این شرکت‌ها برای افراد ایجاد می‌گردد، از جمله شرایطی است که در فرایند این فعالیت اقتصادی تجربه می‌شود و نتیجه آن شکل‌گیری عادت‌واره‌های جدید به موازات تغییر عادت_واره‌های قبلی است. (ذکایی و اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۳)

آموزه‌های مستقیم و غیرمستقیمی که اعضای فعال این شرکت‌ها در معرض آن قرار می‌گیرند، علاوه بر آنکه تحمل و نقدپذیری بیش‌تری را به کنشگران این شبکه‌ها بخشیده است، فرصتی را برای بازاندیشی و تأمل در هویت شخصی و مرور افق گذشته برای آن‌ها فراهم می‌سازد. (ذکایی «سخنران همایش بررسی بازاریابی شبکه‌ای»، ۱۳۸۵: ۸) این آموزه‌ها باعث شکل‌گیری شخصیتی قاطع، مثبت و بانفوذی در افراد می‌شود که دیگران را مجذوب خود می‌کند، ضمن اینکه بعضی علت موفقیت خود و تغییر شیوه‌ی زندگی خود را مرهون فعالیت در این شرکت‌ها دانسته که نه تنها موجبات رشد اقتصادیشان را فراهم کرده بلکه از لحاظ شخصیتی بسیار تأثیرگذار بوده تا جایی که به نحو بهتری می‌توانند زندگی‌شان را مدیریت کنند.

از عواملی که به حفظ و کنترل زیرمجموعه‌ها کمک می‌نماید، فرآیند تشدید آرزوها، تقویت سودجویی و توجه به نفع فردی است. به این صورت که یکی از کارهایی که اعضای این شبکه‌ها باید انجام دهند، نوشتن اهداف و تعیین زمان رسیدن به آن است، بر اساس آموزش‌هایی که در این راستا انجام شده است. بدین ترتیب، با مانور بر آرزوهای افراد، به آن‌ها دلگرمی داده و با به تصویر کشیدن لحظات تحقق رؤیاهایشان، آن‌ها را کنترل کرده تا مجموعه را رها نکنند. چون اگر اعضا مجموعه را ترک کنند، قطعاً به ضرر

سرشاخه‌ها تمام می‌شود؛ لذا به هر ترفندی متوسل می‌شوند تا زیرمجموعه‌ها از فعالیت دست نکشند.

می‌توان گفت از منظر رویکرد دورکیمی ترویج پول‌جویی، یعنی تقویت اهداف منفعت‌طلبانه و فردگرایانه، مخالف اخلاق اجتماعی است. در شرایطی که هنجارهای اجتماعی افراد را به سوی منفعت جمعی تا منفعت فردی سوق می‌دهد، تکیه‌ی هر چه بیش‌تر بر آمال و آرزوهای چون پولدار شدن در مدت کوتاه و... به بی‌اخلاقی و آنومی منجر خواهد شد. زمانی که هنجارهای اخلاقی نتوانند برای آمال و آرزوهای بی‌حد و مرز افراد حدی معین کنند، افراد به نابودی خود مثل خودکشی یا نابودی جامعه همانند ارتکاب سرقت، قتل، اعتیاد و... کشیده می‌شوند. (کوثری «سخنران همایش بررسی بازاریابی شبکه‌ای»، ۱۳۸۵: ۹)

بدین ترتیب، مؤسسان این شرکت‌ها، با نشانه گرفتن نیازهای جوانان و پر کردن خلأهایشان بر مبنای تقویت نقاط جاذبه‌ی شرکت‌ها، توجه آنان را از غیرقانونی بودن فعالیت برگردانده تا جایی که فرد به ادامه‌ی فعالیت در آن، حتی در صورت آگاهی از غیرقانونی بودن فعالیت، راغب می‌شود.

۲.۲. علل و عوامل ساختاری

ضعف و ناکارآمدی نظام اقتصادی کشور به همراه اشکالات موجود در نظام اجتماعی، زمینه‌ی مساعدی را جهت وقوع این قبیل جرائم، فراهم کرده است. در ادامه به بررسی علل مربوط به ساختار اجتماعی (بند اول) و ساختار اقتصادی (بند دوم) می‌پردازیم.

۲.۲.۱. ساختار اجتماعی: دورکیم در سال ۱۸۹۲ اصل «بهنجار (نرمال) بودن آمار» بزهکاری را در هر جامعه‌ای مطرح کرد. «پیامد این اصل بنیادی این است که ریشه‌ی جرم در علل و عوامل استثنایی قرار ندارد، بلکه باید آن را در فرهنگ جامعه‌ای جستجو کرد که جرم در آن به وقوع می‌پیوندد؛ بنابراین، پدیده‌ی جنایی همواره باید در ارتباط با فرهنگ معین در زمان یا مکان تحلیل شود.» (پیکا، ۱۳۸۹: ۶۵) بررسی نحوه‌ی جذب افراد

در این شبکه‌های هرمی، سمت نگاه را به سوی وجود خلأهایی در سیستم اجتماعی می‌برد.

میل به مورد توجه و تحسین قرار گرفتن، خودشکوفایی و ارزشمند شدن از جمله نیازهای اساسی انسان است.^۲ این مسئله به چگونگی ارزش‌های جامعه و نحوه‌ی ارزش‌گذاری برای انسان‌ها باز می‌گردد. یکی از معضلاتی که جامعه نابسامان ما با آن روبروست، عدم وجود ملاک مشخصی برای ارج‌گذاری و ارزشمندی است. (کریمی، ۱۳۸۵: ۴۰) گرایش به مادیات، درآمد سرشار، تشریفات و تجملات به یکی از ملاک‌های ارزش‌گذاری افراد تبدیل شده است و همین سبب شده که افراد برای خودشکوفایی به تجمل‌گرایی روی بیاورند. بدین ترتیب افراد دو راه در پیش رو دارند: ۱- فعالیت و تلاش نمایند تا به صورت شرعی و قانونی به این مهم دست یابند. ۲- از راه‌های غیرقانونی نظیر ارتکاب جرائم اقتصادی، ارتشا، اختلاس، فعالیت در شرکت‌های هرمی و... به اهداف مورد نظر برسند. افرادی که به این مرحله از فساد می‌رسند، ادعا می‌کنند قوانین دست و پاگیر راه ترقی‌شان را سد کرده و بدین وجه اعمال نادرست خود را توجیه می‌نمایند.

در این نوع پدیده به مدد شرایط اجتماعی و بر اساس عواملی چون سن، جنس، اوضاع و احوال محیط، سطح اخلاقی و نیازهای افراد، ضمن بهره‌گیری از تکنیک‌های ارتباطی، جاذبه‌های کلامی، روانی و اجتماعی مانند کسب هویت اجتماعی، لذت بردن از تعامل اجتماعی با دیگران، دوست‌یابی و درگیر کردن افراد با خود، مقدمات آشنایی با این پدیده فراهم می‌گردد و با دعوت افراد، آن‌ها را به فعالیت در آن تشویق می‌کنند.

از منظر رویکرد مرتنی باید گفت فعالیت در دسیسه‌های هرمی موجب ایجاد حالت ابداعی یا نوآوری در جامعه می‌شود؛ (وایت و هینز (ب)، ۱۵۶: ۱۳۸۵-۱۵۵) به این صورت که وقتی هدف‌های پولی در جامعه افزایش یابد اما دسترسی و فرصت برابر برای همگان وجود نداشته باشد، افراد به وسایل غیرقانونی مثل فعالیت در شرکت‌های هرمی دست می‌زنند؛ زیرا عدم توازن بین اهداف و امکانات، فشار روانی - اجتماعی برای ارتکاب این‌گونه انحرافات اجتماعی را فراهم می‌کند؛ یعنی کسب وسایل و امکانات به منظور دست‌یابی به اهداف - به ویژه اهداف مالی - را به هر بهایی مجاز می‌شمارند و با

تکرار این موارد، حساسیت جامعه نسبت به آن کاهش می‌یابد. در نهایت، اشاعه فرهنگ مصرف‌گرایی، رقابت‌های مادی، تقویت سودجویی و تشدید آرزوهای دور و دراز و... به عنوان ارزش‌های جامعه‌ی امروزی، زمینه‌ی مناسبی را برای جذب افراد به سوی این شرکت‌ها فراهم کرده است. به ویژه که پایه‌ی تشکیل این شرکت‌ها، به رواج این‌گونه ارزش‌ها بازمی‌گردد و از آنجایی که درصدد کسب منفعت هستند و این نوع کسب منفعت، به قیمت متضرر ساختن دیگران، به دست می‌آید، لذا لازمه‌ی موفقیت در آن، پرورش روحیه‌ی خودخواهی و بی‌تفاوتی است که در آن، با تفوق نفع فردی بر نفع جمعی، اخلاق اجتماعی تضعیف می‌گردد و پتانسیل نابودی افراد جامعه را تقویت می‌نماید.

وضعیت نامطلوب قشر تحصیل‌کرده و عدم رعایت شایسته‌سالاری در منصب‌ها نیز از عوامل مهم جذب قشر تحصیل‌کرده و دانشجو است. ضعف و خلأ موجود در نظام اجتماعی نسبت به برآورده کردن این نیازها و عدم ایجاد امکانات برابر و فرصت‌های شغلی متناسب با تخصص و مهارت جوانان از عوامل توفیق این شرکت‌ها در کشور ایران است. واضح است که افراد برای ادامه‌ی زندگی در پی رفع احتیاجاتشان برمی‌آیند، به ویژه اینکه آن نیاز از جمله نیازهای اساسی مثل تهیه مسکن، داشتن شغل متناسب با تخصصشان و... باشد. زمانی که جامعه وظیفه‌ی خود را در قبال اعضای خود به انجام نرساند، انحراف مهارت افراد، امر بعید و سرزنش‌آمیزی به نظر نمی‌آید.

در جامعه امروز، آن‌طور که باید از فرصت‌های خود اشتغالی حمایت نمی‌شود. ضمن اینکه ملاک به کارگیری اشخاص بر اساس لیاقت، شایستگی و تخصصشان نیست بلکه رخنه‌ی فساد در امور، سبب شده که ملاک‌های نادرستی چون آشنایی و وابستگی فAMILI و رفاقتی و ... جای شایسته‌سالاری را بگیرد. هم‌چنین عدم وجود برنامه‌ریزی برای جذب دانشجو و مدیریت صحیح در این راستا سبب شده که جذب و آموزش افراد، بر اساس نیاز جامعه صورت نگیرد. بدین ترتیب، با عدم رعایت تعادل در این مسائل، با قشر عظیم تحصیل‌کردگانی مواجه می‌شویم که برایشان برنامه‌ای تدوین نشده، لذا به مشاغل کاذب این‌چنینی روی می‌آورند. حضور پررنگ قشر دانشجو و تحصیل‌کرده در پرونده‌های مطالعه شده، مؤید این مطلب است.

بنابراین، اعضای جامعه جهت پر کردن کمبودها به سمت این شرکت‌ها کشیده

می‌شوند و مزایای آن، چشم آنان را بر معایب عمده، آسیب‌ها و پیامدهای ناشی از آن می‌بندد؛ به نظر می‌رسد اگر مسئله‌ی اقتصادی به تنهایی علت بروز این پدیده بود، لازمه‌اش شرکت خیل این اعضا در جرائم دیگر و حتی داشتن سوءسابقه بود. در حالی که بر اساس پرونده‌های مطالعه شده تعداد قابل توجهی از افراد فاقد پیشینه‌ی کیفری بوده و از نظر تحصیلات عالی و سطح فرهنگی در جایگاه خوبی قرار داشتند و قصد ارتکاب جرم نداشتند بلکه به این نوع فعالیت‌ها، به عنوان یک شغل و منبع کسب درآمد نگریسته و حتی به دلیل آموزش‌ها و تحت تأثیر آن قرار گرفتن، ارزیابی مثبتی از آن داشته و این فعالیت را نوعی بازاریابی شبکه‌ای سالم به شمار می‌آوردند.

نهادینه نشدن فرهنگ کار و تلاش، ایجاد توقع دسترسی سریع به پول و ثروت، تغییر سبک و سطح زندگی نیز از عوامل دیگر است. البته می‌توان ریشه‌ی این نوع فرهنگ را در نابرابری و بی‌عدالتی در سطح جامعه نیز دانست. با اینکه درصدد انکار این مسئله نیستیم که عده‌ای از این افراد راحت‌طلب بوده و می‌خواهند به سرعت و بدون تلاش و صبوری به خواسته‌هایشان به ویژه رفع نیازهای مالی‌شان، برسند لیکن عدم تعادل در جامعه و تقسیم نشدن فرصت‌ها بر اساس لیاقت و تخصص، باعث سرخوردگی افراد به ویژه متخصصانی می‌شود که ثمره‌ی تلاششان را در عمل نمی‌بینند؛ لذا با قرار گرفتن در چنین وضعیتی، تلاش را بیهوده دانسته و سعی در پیدا کردن راه‌های کوتاه‌تر و بهتر می‌کنند؛ حتی اگر این مسیرها، مسیری انحرافی باشد.

عدم تطبیق گفتار و رفتار مسئولان اجتماع، اعمال نفوذ و رابطه سالاری سبب می‌شود که اعتقاد افراد به اصول و ارزش‌های جامعه کم‌رنگ شود؛ اخلاق اجتماعی که در آن نفع جمعی بر نفع فردی تفوق دارد، تضعیف گردد و مفاهیمی چون نوع دوستی و قناعت و ... رنگ ببازد؛ با این توصیف، انحراف افراد و سوق یافتن آن‌ها به سمت این شرکت‌ها امر بعیدی به نظر نمی‌رسد؛ چرا که به قول ضرب‌المثل مشهور عربی «الناس علی دین ملوکهم»^۳

فرهنگ‌سازی رسانه‌ها نیز موجب ایجاد تعارض می‌شود. به عنوان مثال، از یک طرف، درصدد نشان دادن جلوه‌ی منفی ثروت هستند اما از طرف دیگر، عملاً پول و ثروت در جامعه به عنوان ابزار مهمی جهت رشد و پیشرفت به شمار می‌رود. همچنین،

رشد فرهنگ مصرف‌گرایی در میان مردم هم روندی از پایین به بالاست و هم بالا به پایین؛ به این معنا که این فرهنگ، هم از خانواده‌ها شروع شده و رقابت‌های بی‌اساس فامیلی، مزید بر علت گشته و هم در میان ساختار مدیریتی جامعه این فرهنگ رواج یافته است. اسراف‌های بی‌مورد و بی‌برنامه نسبت به اموال بیت‌المال در راستای رفع نیاز عموم و حیف و میل نمودن آن‌ها در راستای رفع نیازهای شخصی، از مواردی است که موجب بی‌اعتمادی مردم نسبت به عملکرد مسئولان و بی‌توجهی به قوانین می‌گردد.

ضمن اینکه با عدم حمایت از تولیدکنندگان داخلی از یک‌سو و وارد کردن کالاهای کشورهای دیگر مانند چین از سوی دیگر، کشور را به یک کشور مصرف‌کننده‌ی کالاهای نامرغوب کشور دیگر تبدیل ساخته که به طور غیرمستقیم به هدایت سرمایه‌گذاران جهت وارد کردن کالاهای بی‌کیفیت به جای تولید و حمایت از نیروهای خود، منجر می‌گردد. درنهایت، این روند موجب وابسته شدن به کشورهای دیگر در زمینه‌ی تولید کالا می‌شود که به مرور زمان موجب افزایش آمار بیکاری و مشاغل کاذب می‌گردد. بدین ترتیب این قبیل مسائل و مشکلات در جامعه راه را برای انتخاب بی‌راهه، توسط مردم به ویژه جوانان باز می‌کند.

۲.۲.۲. ساختار اقتصادی: اهمیت نظام و اوضاع اقتصادی و تأثیر آن بر امور فرهنگی، سیاسی، نظامی و اجتماعی جوامع از دید هیچ‌کس پنهان نیست. بدیهی است که جوامعی با وضعیت اقتصادی مطلوب و مستقل در توزیع و تولید محصولات اساسی خویش، می‌توانند استقلال سیاسی و فرهنگی خویش را حفظ نمایند. در حالی که تجربه نشان داده کشورهاییی که از جهت اقتصادی عقب مانده و وابسته هستند به وابستگی فرهنگی، سیاسی و نظامی نیز گردن نهادند. (کریمی، ۱۳۸۵: ۲۰) بنابراین ضعف ساختار اقتصادی و وضعیت نامطلوب اقتصادی اقشار جامعه، ارتکاب جرائم اقتصادی را به دنبال دارد.

بی‌ثباتی نظام اقتصادی ایران و ساختارمند نبودن آن، باعث شده که با وزیدن نسیم ناموافق اقتصادی _چه با منشأ داخلی و چه خارجی_ نظام اقتصادی شدیداً تحت تأثیر قرار گیرد و نمود آن در زندگی اجتماعی مردم پدیدار شود. این مسئله باعث شده که با ظهور فرصت‌های مجرمانه اقتصادی چون شرکت‌های هرمی، به سرعت آثار منفی آن،

هم در سطح کلان و هم در سطح خرد جامعه نمایان شود.

توجه به وضعیت اقتصادی سالیان اخیر و شاخص‌های محاسبه شده، نابرابری زیاد درآمد و مصرف در ایران را به وضوح نمایان می‌سازد. نوسانات نسبتاً شدید شاخص‌های فقر در بعضی از سال‌ها و نیز روند تحولات نابرابری در بلندمدت، حاکی از آن است که سیاست‌های اقتصادی ایران با هدف کاهش فقر و نابرابری تنظیم نشده‌اند و اصولاً توزیع درآمد از دغدغه‌های سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور در سال‌های اخیر نبوده است. تحقیقات تجربی صورت گرفته از شکاف عمیق میان ارزش‌های نسل‌های پدر و پسر جامعه‌ی ایرانی حکایت می‌کند و نشان می‌دهد که ضمن کشیده شدن اولویت‌های ارزشی نسل پسر به سمت ارزش‌های اقتصادی، بیشترین نگرانی این نسل در خصوص مسائل مادی و اقتصادی است. از این رو تحرک اجتماعی صعودی، در زمینه‌های مادی در نسل پسر اهمیتی بیش از پیش یافته است. بدین ترتیب، واکاوی رابطه‌ی بی‌عدالتی اقتصادی و جرائم علیه اموال در چنین بستری رخ می‌نماید. (رضوان دوست، ۱۳۹۰: ۱۱۷)

در نتیجه با وجود چنین وضعیتی، مؤسسان این شرکت‌ها با سوءاستفاده از خلأهای موجود، فرصت را غنیمت شمرده و با سبک و سیاق زیرکانه، با وعده کسب درآمد، آسیب‌های بعضاً جبران‌ناپذیری را به زندگی مردم و ساختار اقتصادی وارد ساختند. در نهایت، باید گفت با وجود اینکه فقر و فرصت در ارتکاب جرائم اقتصادی نقش عمده‌ای دارد و فقر، مهم‌ترین محرک جرائم مالی است لیکن در مورد جرائم اقتصادی وقوع یافته در سطح کلان توسط افراد خاص و به‌طور ویژه در خصوص ظهور پدیده‌ی مجرمانه‌ی شرکت‌های هرمی، فقر تأثیر چندانی ندارد و بلکه به‌عکس این نوع مجرمین اقتصادی «در پی افزایش سرمایه‌ی خود به دلخواه آنچه می‌اندیشند، هستند. از همین منظر باید گفت وضعیت زندگی یک مجرم اقتصادی تأثیر چندانی در ایجاد فرصت و انتخاب جرم ندارد. بلکه فرصت جرم و مکان آن، بسیار بیشتر از فرصت‌های زندگی در تحقق جرم اقتصادی اثر گذارند.» (نورزاد، ۱۳۸۹: ۴۱) بنابراین وضعیت اقتصادی جامعه و تأثیر آن بر اقشار آسیب‌پذیر، فرصتی را برای این دسته مجرمان پدید آورده که نه از سر نیاز بلکه به سبب حرص و آز، به تأسیس و عضوگیری در این نوع شرکت‌ها مبادرت ورزند. ناکارآمدی مدیریت در بخش اقتصادی از یک طرف و پیامدهای نه چندان مطلوب

گذار از اقتصاد دولتی به خصوصی از طرف دیگر، کنترل این نوع جرم اقتصادی و شناخت آن را از بدو امر با مشکل مواجه ساخته، لذا مدیریت و پیشگیری - آن هم زمانی که موج پدیده‌ی شرکت‌های هرمی ویرانی لازم را بر جای گذاشته - با کندی صورت می‌گیرد. با اینکه پس از سرایت آثار منفی این پدیده در کشور، اقدام فوری جهت ممنوعیت آن، در قالب تصویب ماده واحده انجام پذیرفت اما در عمل به دلیل عدم شناسایی دقیق، با آرای بعضاً نه چندان دقیق مواجه می‌شویم و همین مسئله در درازمدت، می‌تواند تأثیر عمده‌ای بر زندگی مردم بر جای بگذارد.

می‌توان گفت با اینکه قدمت این پدیده‌ی مجرمانه به صد سال قبل بازمی‌گردد، اما یکی از عللی که روند رو به رشد این سیستم را تسریع بخشیده، جهانی‌سازی و فرامکانی شدن تجارت است؛ زیرا جهانی‌سازی از یک سو باعث شده کنترل سیستم اقتصادی و وقوع جرائم اقتصادی به تنهایی از دست یک دولت خارج گردد و از سوی دیگر، با توجه به قابلیت فراگیر و گسترده بودن این نوع جرم خاص در سطح جهان، اقتصاد کشورهای متعددی را هم‌زمان نشانه‌گیری کند و پیامدهای نامطلوبش را در سیستم اقتصاد منطقه‌ای و جهانی جلوه‌گر سازد. اگرچه با توجه به روند کنونی جهانی‌سازی و لزوم نزدیک شدن به دیگر کشورها و همکاری با آنها نمی‌توان از این قافله عقب ماند؛ چرا که ضررش بیشتر از نفعش است بلکه باید با اتخاذ تدابیری و اصلاح ساختار اقتصادی از اثرات سوء آن، که همان تأثیرپذیری سریع از جرائم اقتصادی گسترده از جمله جرائم ناشی از پدیده‌ی شرکت‌های هرمی هست، در امان ماند. ناگفته نماند که یکی از علل تأثیرپذیری اقتصاد ما از پدیده‌ی جهانی شدن به ضعیف بودن آن و عدم توان رقابت با کشورهای پیشرفته برمی‌گردد.

از طرف دیگر، منشأ جهانی شدن، اقتصاد آزاد و سرمایه‌داری (سرمایه‌داری افراطی و صرف) است. «سرمایه‌داری ساختار تولیدی است که در آن فعالیت تولید قبل از هر چیز در خدمت انباشت مازاد است. در این نظام، مازادها برای آن تولیدی هزینه می‌شوند که خود مازاد بیشتری به دست دهد.» (لشکری، ۱۳۸۸: ۱۸-۱۷) به عبارتی، کسب سود به امید کسب سود بیشتر و بیشتر و این زنجیره همچنان ادامه می‌یابد و اگر در این حالت، فرصت کسب سود برای همگان به طور برابر فراهم نباشد و در دست عده‌ی قلیلی

منحصر بماند، نابرابری و در پی آن بی‌عدالتی گسترش می‌یابد و نتیجه‌ی چنین عملکردی در سطح یک کشور به اختلافات طبقاتی، منجر می‌شود و فاصله‌ی افراد جامعه با یکدیگر از جهات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی روز به روز زیادتر می‌گردد.

فرهنگ انباشت سرمایه ناشی از نظام سرمایه‌داری افراطی، افراد را به سرمایه‌گذاری و دریافت سود حاصل از آن تشویق می‌کند و باعث می‌شود که کسانی که از توان مالی برای سرمایه‌گذاری برخوردار نیستند، اندک سرمایه‌ی خود را در این فعالیت‌های نامشروع به امید دستیابی به سود کلان به کار گیرند. این نوع سرمایه‌داری هدف اصلی را بر پول‌جویی و افزایش سرمایه متمرکز می‌کند و جز به نفع فردی به چیز دیگری توجه نمی‌کند؛ لذا دست یافتن به آن را به هر بهایی مجاز می‌شمارد. لذا این نوع نظام که در بستر خود، انباشت سرمایه‌ی صرف را فرهنگ‌سازی می‌کند، به خوبی می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد و اشاعه‌ی فعالیت‌های غیرقانونی را فراهم سازد و برای پدیده‌ی مجرمانه‌ای چون شرکت‌های هرمی که در آن سرمایه محوری و انباشت آن مقصود موردنظر است، به بهترین وجه فضای رشد و توسعه را فراهم آورد. به همین دلیل می‌توان نوع نظام اقتصادی را در تشکیل و جریان این شرکت‌ها موجد و مؤثر دانست.

به این صورت که زمانی که نظام سرمایه‌داری افراطی، بدون نظارت و کنترل دقیق دولت، لجام گسیخته گردد، راه پیشرفت و کسب سود را برای تعداد اندکی باز می‌کند و باعث می‌گردد روز به روز ثروتمندان، ثروتمندتر و فقرا، فقیرتر گردند. البته دخالت دولت در اقتصاد کشور زمانی کارآمد است که به فساد اداری - مالی آلوده نشده باشد و گرنه به ویژه در جامعه‌ای که در حال گذر است، فساد دولت اوضاع را وخیم‌تر می‌سازد. اختلاف طبقاتی ناشی از اعمال چنین نظام اقتصادی، منجر به وقوع جرائم - به‌ویژه جرائم اقتصادی از جمله فعالیت در شرکت‌های هرمی می‌گردد؛ در جوامعی که اختلاف طبقاتی عمیق است، «امکانات مادی، فرهنگی و فنی به طور مساوی در بین افراد تقسیم نشده و نمی‌شود؛ بنابراین در سلسله مراتب جامعه‌ی، عده‌ی خیلی توانگر مالی و عده‌ی کثیری مستمند مادی به وجود می‌آید. در این جوامع، ملاک فقر و ثروت نابرابری جامعه‌ی و وجود غنی در کنار فقیر است و گرنه در جامعه‌ای که همه فقیر و یا همه غنی باشند، فقر و غنا مفهومی ندارد.» (شیخاوندی، ۱۳۸۶: ۲۹۱) بنابراین، علت عمده‌ی جرائم مالی و

اقتصادی از جمله جرم مورد بحث، فقر نیست بلکه تضاد طبقاتی و اختلاف میان فقیر و غنی است. وجود این اختلاف در جامعه ما مشهود است.

وقوع این پدیده را از منظر مارکس بدین گونه می‌توان تحلیل کرد که ساختار اجتماع و عملکرد نظام جزایی به گونه‌ای است که دسته‌ای از مردم را که در اقلیت‌اند، به دسته اکثریت، برتری داده است. این نابرابری موجب بهره‌کشی طبقه سرمایه‌دار، به عنوان طبقه برتر، از طبقه کارگر می‌شود و این نظام سرمایه‌داری است که زمینه را برای ارتکاب جرم فراهم می‌آورد. (وایت و هینز (ب)، ۱۳۷۹: ۷۵-۷۳)

باید این نکته را خاطر نشان ساخت که در اصل سرمایه‌داری به مفهوم خاص انباشت سرمایه و راکد نمودن آن آثار نامطلوبی دارد. چنین مسئله‌ای هم در قالب یک نظام اقتصادی می‌تواند، اتفاق افتد و هم اعضای جامعه می‌توانند تفکر سرمایه‌داری را در زندگی‌شان به کار برند و به جای اینکه سرمایه‌ی خود را به سوی تولید و به جریان انداختن یک کسب و کار مفید به کار اندازند، در پی انباشت و گرفتن سود آن باشند. متأسفانه چنین مسئله‌ای در کشور ما رواج یافته که بیشتر مردم، به جای کارآفرینی و پرورش خلاقیت در راستای اشتغال‌زایی، به سرمایه‌گذاری در بانک‌ها، مؤسسات و... جهت دریافت سود حاصل از سرمایه‌شان گرایش پیدا کرده‌اند. عملکرد مدیریتی دولت نیز بی‌تأثیر نیست. به نظر می‌رسد صدور مجوز تأسیس بانک و مؤسسات مالی و اعتباری آن‌چنان مدبرانه صورت نمی‌گیرد. افزایش این شرکت‌ها و مؤسسات تجاری به طور غیرمستقیم انباشت سرمایه و گرفتن سود حاصل از آن را به ذهن القا می‌کند. به ویژه با تبلیغاتی که در این راستا صورت می‌گیرد، سرمایه‌داری صرف در اذهان فرهنگ‌سازی می‌شود و در نتیجه چنین فرهنگی به راحتی مسیر جولان جرائم به ظاهر ساده اما پیچیده‌ای چون پدیده مورد بحث را باز می‌کند و اشخاص ترجیح می‌دهند در این نوع شرکت‌ها فعالیت کنند تا در کنار دریافت سود حاصل از سرمایه‌گذاریشان، به حق کمیسیون (پورسانت) ناشی از عضوگیری نیز دست یابند.

طبق دیدگاه ویلیام بونگر، نظام سرمایه‌داری مردم را به حرص و خودخواهی تشویق می‌کند و منفعت فردی را بر منفعت جمعی ترجیح می‌دهد. در اینجا جرم در طبقه فرودست متمرکز است؛ زیرا نظام عدالت کیفری حرص نیازمندان را جرم می‌شمارد، در

حالی که به سرمایه‌داران فرصت ادامه پیگیری تمایلات مادی و منفعت‌طلبانه‌شان را می‌دهد. (ولد و دیگران، ۱۳۸۱: ۳۵۸)

ممکن است گفته شود سرمایه‌گذاری صرف آن‌چنان هم بی‌فایده نیست؛ به عنوان نمونه، بانک‌ها یا مؤسسات مالی و اعتباری با جمع‌آوری سرمایه‌های خرد مردم، آن را به سرمایه‌های کلان تبدیل نموده و از آن جهت اشتغال‌زایی و رفع نیاز جامعه بهره می‌برند. با این وجود به نظر می‌رسد پیشرفت یک جامعه در گرو اشاعه فرهنگ کار و تلاش، بهره‌مندی از استعدادها و خلاقیت افراد است. در واقع هدف اصلی از کار و تلاش، فقط رسیدن به نقطه‌ی بی‌نیازی مالی نیست بلکه این فرهنگ، فی‌نفسه ارزشمند بوده و از گذشته تا به امروز مورد تحسین قرار گرفته تا جایی که در آموزه‌های اسلام، به عنوان امر مقدسی از آن یاد شده است. بی‌کاری و رکود استعدادها، افراد را به سمت خمودگی، افسردگی، راحت‌طلبی و... می‌کشاند. ضمن اینکه یکی از راه‌هایی که مؤسسان این شرکت‌ها جهت جذب افراد به کار می‌گرفتند، تمرکز بر تفکر اشخاص زیرمجموعه و تغییر نگاه آن‌ها به مسئله کار و کم ارزش جلوه دادن آن و پررنگ کردن دستیابی به ثروت کلان با تلاش کم بود؛ در واقع افقی پیش روی افراد ترسیم می‌شد که در آن بیشتر کاهلی و کسب درآمد به هر قیمتی به عنوان هدف در نظر گرفته می‌شد.

حال آنچه مطلوب و مؤثر به نظر می‌رسد این است که زمینه‌ای فراهم شود تا افراد با شناخت توانایی‌هایشان و حمایت از این توانایی‌ها توسط دولت به خوداشتغالی برسند نه اینکه روند زندگی را با انتظار حاصل از سود سرمایه‌ها، ادامه دهند. گرچه علت توجه افراد به دریافت سود حاصل از سرمایه‌گذاری به جای هدایت آن به سمت اشتغال‌زایی، به احساس ناامنی نسبت به آینده که از بی‌ثباتی ساختار اقتصادی نشأت می‌گیرد، بازمی‌گردد. در واقع افراد، ریسک این‌گونه سرمایه‌گذاری را بیشتر از دریافت سود می‌دانند؛ در نتیجه تصمیم می‌گیرند که حداقل سرمایه‌ی خود را به خطر نیندازند. یکی از آثار منفی افزایش بانک‌ها و مؤسسات مالی - اعتباری، دامن زدن به افزایش اختلاف طبقاتی است؛ زیرا مؤسسان این بانک‌ها قشر محدودی از اعضای جامعه را تشکیل می‌دهند. در مقابل، افرادی که سرمایه‌های خود را به این‌ها می‌سپارند، عده‌ی کثیری هستند. در نگاه کلان، اختلاف دریافت سود توسط عده‌ی زیادی از این بانک‌ها و مؤسسات، نسبت به سود

عایدی مؤسسان، مقدار قابل توجهی است. لذا به مرور زمان اختلاف طبقاتی این دو گروه از یکدیگر، بیشتر می‌شود. ضمن اینکه این مؤسسات با افزایش بهره‌ها و کارمزدهای حاصل از وام‌های اعطایی به مشتریان خود، به این اختلاف دامن می‌زنند.

در واقع می‌توان گفت از دیگر عوامل توسعه شرکت‌های هرمی در ایران، عدم پیش‌بینی کانال معتبری با سودآوری مناسب برای سرمایه‌هاست؛ (آقابابایی بنی، ۱۳۸۹: ۹۸-۹۷)

ممکن است این سؤال به ذهن متبادر شود که نظام اقتصادی ایران سرمایه‌داری نیست؛ پس چرا جرائم ناشی از فعالیت شرکت‌های هرمی، در این نظام به وجود آمد و نوع نظام اقتصادی چگونه به عنوان یک عامل وقوع جرم عمل کرده است؟ در پاسخ باید گفت که اقتصاد دولتی و بسته نیز نمی‌تواند نظامی پیشگیرانه از ایجاد این نوع جرائم باشد؛ این نوع نظام نیز کارآمد نیست و در معرض فساد قرار دارد؛ در واقع نظام اقتصادی ایران در مرحله حساس گذار از نظام بسته به یک نظام آزاد قرار دارد. کنترل چنین روندی دشوار است؛ زیرا باید به مرور کنترل انحصاری قدرت اقتصادی دولت به دست سرمایه‌داران داده شود و در این مرحله می‌تواند با عدم کارآمدی و ایجاد مانع در برابر سرمایه‌گذاران تأثیرات قابل توجهی را به جا بگذارد و فسادهای اداری - مالی ایجاد کند که همین فسادها می‌تواند عامل توجیه‌کننده‌ای برای مجرمانی باشد که به سمت این قبیل جرائم اقتصادی می‌روند؛ زیرا که عدالت اقتصادی را احساس نکرده و جهت رسیدن به اهداف خود با نگاهی به نظام مالی فاسد، به هر طریقی متوسل می‌شوند و تعهدشان را نسبت به جامعه به عنوان یک شهروند قانون‌مدار از دست می‌دهند. در نهایت، باید جهت داشتن نظام اقتصادی کارا جریان اقتصاد آزاد با نظارت و کنترل دقیق دولت همراه باشد تا از انحصارگرایی و تمرکز ثروت در دست عده‌ی قلیلی جلوگیری شود تا بسترهای سرمایه‌داری لجام گسیخته که موجب اختلافات عمیق طبقاتی می‌شود، از میان بروند. در واقع نظام اقتصادی مطلوب، ترکیب معقولی از سیستم باز و بسته (مختلط) است.

از مهم‌ترین عواملی که افراد را برای داشتن شغل جهت امرار معاش، به سوی این نوع مشاغل کاذب می‌کشاند، پایین بودن سطح درآمد در مقابل هزینه‌های بالا، بالا بودن درصد بیکاری و عدم وجود ساز و کار مناسب برای اشتغال است؛ متأسفانه این نوع شغل،

به جای به کار گرفتن نیروی افراد در جهت تولید و سازندگی، آن‌ها را به سوی واسطه‌گری و هدر رفتن استعدادهایشان می‌کشاند.

شعار ایجاد اشتغال با درآمد بالا و تبلیغ شغل پاره وقت در کنار شغل اصلی، با صرف وقت اندک و سود فراوان، باعث همکاری افراد شاغل نیز، با این شرکت‌ها گردید که بعد از مدتی باعث استعفای فرد شاغل از شغل اصلی خود و صرف تمام وقت خود در این مسیر گشت. به همین جهت در بعضی از ارگان‌ها برای کارمندان خود، ممنوعیت‌ها و ضمانت‌اجراهایی به منظور مقابله با این پدیده وضع گردید.

ملاحظه می‌گردد که فرهنگ بازاریابان شبکه‌ای (ناسالم) دارای پایه یا مؤلفه‌ی اقتصادی است. عده‌ای از جوانان ایرانی در حال حاضر، جایگاهی در بازار کار به خود اختصاص نمی‌دهند یا حداقل خیلی دیر وارد بازار کار می‌شوند. به همین دلیل، تحقق شهروندی تمام عیار آنان، معمولاً با تأخیر همراه است. آن‌ها در طول دوران گذار به بزرگسالی، از انواع یارانه‌های خانوادگی و گاه دولتی مثلاً تحصیلات رایگان استفاده می‌کنند. این واقعیت، بخشی از دلایل گرایش جوانان را به سمت این شرکت‌ها توضیح می‌دهد؛ یعنی میل به استقلال مالی از والدین و تحقق شهروندی تمام عیار. (شهابی «سخنران همایش بررسی بازاریابی شبکه‌ای»، ۱۳۸۵: ۸)

در نتیجه، باید گفت ناکارآمدی ساختار اقتصادی محل مناسبی برای این قبیل جرائم فراهم کرده که برای ریشه‌کن کردن آن، ابتدا این مسائل را باید در نظر گرفت و آن را حل نمود. سپس به واکنش‌های کیفی جهت سرکوب آن رو آورد. در مبحث آتی به تعدادی راهکارهای پیشگیرانه اشاره می‌گردد.

۳. راهکارها و تدابیر پیشگیرانه

پر واضح است به منظور مقابله با این پدیده، تنها شیوه‌ی سرکوب‌گرانه در قالب جرم‌انگاری ماده واحده‌ی الحاقی به قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی، کافی نیست. بلکه توسل به ابزارهای غیرکیفری، در قالب راهکارهای پیشینی، نتایج مفیدتری جهت کنترل این جرم به دنبال خواهد داشت؛ اعمال راهکارهای ناظر به پیشگیری

اجتماعی و وضعی، بر مبنای علل و عوامل پیش‌گفته در ایجاد این نوع جرم، از جمله پاسخ‌های پیشگیرانه است. در این مبحث تدابیر پیشگیرانه در دو گفتار پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار (گفتار اول) و پیشگیری وضعی (گفتار دوم) ارائه می‌شود.

۳.۱. پیشگیری جامعه‌مدار متکی بر تقویت نهادهای اجتماعی:

پیشگیری جامعه‌مدار متکی بر تقویت نهادهای اجتماعی که قدیمی‌ترین و رایج‌ترین شکل پیشگیری غیرکیفری است، شامل اقدام‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و پیش‌گیرنده‌ای می‌شود که نسبت به محیط‌هایی که فرد در آن‌ها زندگی و کار می‌کند، اعمال می‌شود. در واقع این پیشگیری «با بهبود شرایط زندگی در یک محیط معین به طور مستقیم بر رفتار مجرمانه تأثیر می‌گذارد. به دیگر سخن، در این نوع پیشگیری مطالعه منابع بزهکاری و شناسایی علل آنکه با ساختار و تشکیلات جامعه ارتباط پیدا می‌کنند، در اولویت قرار می‌گیرد.» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۷۰)

با توجه به علل و عوامل گفته شده، با تغییر اوضاع و احوال نامساعد اقتصادی و اجتماعی می‌توان سمت نگاه افرادی را که برای کسب منبع درآمد به این شرکت‌ها امیدوار شدند، تغییر داد. احترام به حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فراهم کردن زمینه‌ی تحقق آن توسط دولت در کاهش و حذف وقوع این پدیده می‌تواند مؤثر باشد. به عنوان مثال، در جهت کم کردن فاصله طبقاتی، امتیازهایی برای اقشار کم‌درآمد به منظور فراهم کردن حداقل استانداردهای زندگی در نظر گرفته شود.

برجسته‌ترین سیاست‌های پیشگیرانه از جرائم اقتصادی که تأسیس و عضوگیری شرکت‌های هرمی از جمله آن‌هاست، طراحی و پیگیری اقتصاد آزاد سالم یا خصوصی‌سازی است. «خصوصی‌سازی به مجموعه‌ای از اقدامات گفته می‌شود که در قالب آن در سطوح و زمینه‌های گوناگون کنترل یا مالکیت و یا مدیریت از بخش دولتی خارج و به بخش خصوصی سپرده می‌شود. در نهایت دامنه‌ی نفوذ مستقیم دولت بر فعالیت‌های اقتصادی محدود می‌شود و تمرکز فعالیت‌ها در بخش خصوصی افزایش می‌یابد. (خداییان‌چگنی، ۱۳۹۱: ۲۲۵)

فراتر از این، شاید اگر در جامعه‌ی ما که با یک اقتصاد دولتی روبرویم، «بستری از دموکراسی و سرمایه‌داری در جامعه حاکم باشد، خودبه‌خود زمینه‌ی اساسی رویارویی با جرائم اقتصادی نیز فراهم گشته است؛ با این حال مقابله با جرائم اقتصادی بیش از آنکه وابسته به نوع حکومت باشد، منوط به نوع اقتصاد است.» (نورزاد، ۱۳۸۹: ۲۶۵) به عنوان نمونه، باید از اندیشه‌ی دولت رفاه یاد کرد. دولت رفاه، تفکری مابین سرمایه‌داری خالص و سوسیالیسم است و از آن به مکتب اقتصادی بازار یاد می‌شود. این اندیشه، اصل آزادی اقتصاد را با اصول متوازن اجتماعی ترکیب می‌کند. در بعد اقتصادی بر ساختار ویژه‌ی رقابت آزاد، مالکیت خصوصی و آزادی قراردادها تأکید می‌کند و در بعد اجتماعی، دولت را موظف به هماهنگی فرآیندهای اقتصادی، مبارزه با انحصارات، نظارت بر قدرت بازار و نظام پولی - مالی، قانونمندسازی نظام بازار کار و ساماندهی درآمدها و هزینه‌ها و... می‌داند. (نظری، ۱۳۹۰: ۱۲)

از آنجایی که «وجه مشخص‌کننده‌ی الگوی پیشگیری از جرم در ایران، پیش‌بینی سیاست‌ها در سطح ملی، ضعف ساختار و ساز و کارهای اجرا و نیز تعلل در عملیاتی کردن سیاست‌ها در سطح استانی و محلی است» (ابراهیمی (ب)، ۱۳۹۰: ۳۷)، در نتیجه باید در مرحله اجرا، به فرآیند گذار از مرحله اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی در کنار نظارت دقیق و مستمر بر بخش‌های خصوصی سرعت داده شود تا انحصارطلبی، باعث فشار بر زندگی افراد متوسط و فقیر نگردد.

اجرای به موقع، دقیق و قانونمند چنین سیاست‌هایی می‌تواند نقش مفیدی را در اشتغال‌زایی و از بین بردن زمینه‌های بیکاری ایفا کند؛ زیرا وقتی دولت به عنوان یک رقیب بزرگ فعالان اقتصادی، کنار رود و کوچک‌تر شود، توان و سرمایه‌ی خود را برای هدایت، نظارت و مسائلی که سرمایه‌گذاران حاضر به سرمایه‌گذاری در آن نیستند، صرف کند و فضای رقابت سالم را ایجاد نماید، زمینه‌ی اشتغال‌زایی و از بین بردن بیکاری فراهم می‌شود که به تبع آن، در کاهش گرایش به سمت تأسیس و عضوگیری در این نوع شرکت‌ها نقش چشم‌گیری خواهد داشت. ضمن اینکه دولت می‌تواند با در نظر گرفتن توانمندی‌ها، آمار قشر تحصیل‌کرده و نیازهای شغلی و جامعه، سرمایه‌گذاران را با اعطای امتیازهای خاص تشویق و هدایت نماید که در مسیری که دولت و متخصصان نیاز دارند،

سرمایه‌گذاری کنند. افزایش امکانات و تسهیلات در شهرهای کوچک، بخش‌ها و روستاها از تجمع جمعیت در کلان‌شهرها و مشکلات ناشی از آن مثل بیکاری، جلوگیری به عمل می‌آورد که در نهایت با کاهش بیکاری از ایجاد مشاغل کاذبی چون ایجاد شرکت‌های هرمی کاسته می‌گردد.

از طرفی، در جامعه‌ی امروزی ما تفکر و فرهنگ غلط منفی‌گرایی نسبت به پول و مسائل اقتصادی رواج داده می‌شود و آن را کاملاً پوچ می‌شمارد و از طرف دیگر، سطح اقتصادی و ابزار مربوط به آن، رسیدن به اهداف را تعیین و تسهیل می‌کند. امروزه برخورداری از حداقل سرمایه برای امرار معاش و گذران زندگی به ابزار مهمی تبدیل شده که عدمش مشکلات بسیاری را در تمامی امور زندگی ایجاد می‌کند. ضمن اینکه تدابیر مؤثری در خصوص حمایت مادی از قشر ضعیف، آن‌چنان که باید صورت نمی‌گیرد؛ لذا ایجاد چنین تفکر منفی‌گرایانه نسبت به اقتصاد و پول از یک‌سو و نیاز و ضرورت وجود آن از سوی دیگر، تعارضاتی را برای افراد جامعه ایجاد می‌کند که در نهایت موجب روی‌گردانی برخی، از این فرهنگ شده تا جایی که حاضر می‌شوند برای رسیدن به ثروت و بالا بردن سطح اقتصادی خود، قانون و قانون‌مداری را نادیده بگیرند و با توجه به ظهور فرصت‌های مجرمانه و جذابی چون عضوگیری، دریافت سود و کمیسیون (پورسانت) از این قبیل شرکت‌ها برای رسیدن به اهداف مالی خود به تکاپو افتند.

باید در نظر داشت که میزان پای‌بندی به اعتقادات و ارزش‌های افراد جامعه نسبت به یکدیگر، متفاوت است. نمی‌توان با قبیح شمردن آنچه واقعاً به آن نیاز است مثل ثروت، به زعم خود فرهنگ‌سازی کرده و افراد را از رسیدن به آن منع کرد؛ چرا که پس از مدتی واقعیات، خود را نشان می‌دهد و آن وقت مدیریت جامعه با مشکل مواجه خواهد شد. نگارندگان درصدد بیان نگاه ارزشی به اقتصاد و پول نیستند بلکه مشکل را در دیدگاه متعارض رایج می‌دانند. ضمن اینکه در جامعه‌ی ما آن‌طور که باید مفاهیم، به ویژه مفاهیم دینی و ارزشی و حتی آموزشی کاربردی نشده و افراد در چالش‌های زندگی واقعاً نمی‌دانند که در حیطه‌ی عمل باید چه کار کنند و از آموزه‌ها چگونه استفاده نمایند. از آنجایی که همه‌ی امور در این دنیا، نسبی است و تعیین‌کننده‌ی وجه مثبت و منفی امور،

عملکرد انسان‌هاست، در نتیجه نمی‌توان با منفی جلوه دادن توجه به امور اقتصادی، از گرایش افراد به آن کاست؛ بلکه می‌توان با ایجاد فرصت و تأمین حداقل رفاه برای اعضای جامعه (با توجه به بالاتر رفتن معیارهای حداقل استاندارد سطح زندگی)، نحوه‌ی صحیح استفاده از ثروت و دیگر امکانات، مدیریت صحیح امور اقتصادی آموزش داده شود تا از این طریق فرهنگ صرفه‌جویی، قناعت و تلاش برای رسیدن به قله‌های موفقیت از راه‌های صحیح و مشروع، نهادینه شود که به نظر می‌رسد این راهکارها می‌تواند به طور بنیادین در کاهش نرخ جرائم اقتصادی مؤثر باشد.

کاربردی کردن دروس ارائه شده در مقاطع تحصیلی ابتدایی تا سطوح عالی، آموزش حل مسئله و پرورش و رشد شخصیت افراد، هم به نوعی معضلات برخاسته از خلأهای ساختار اجتماعی را حل می‌نماید و حتی بخشی از جاذبه‌های برخاسته از این شرکت‌ها را که ناشی از نبود آگاهی‌های صحیح در جامعه است را رفع می‌کند و این خود سبب می‌شود شخصیت اجتماعی اشخاص در مسیر صحیح قرار گرفته و تقویت شود؛ به ویژه اگر این مهم از کودکی انجام گیرد. در هر حال در اجرای این نوع پیشگیری می‌توان به عنوان نمونه به کارگاه‌های آموزشی متوسل شد. نمونه‌ی عملی و قابل توجه در این مورد تجربه‌ی فرانسه در برنامه‌ی کارگاه آموزشی است. این برنامه «در سال ۲۰۱۰ جایزه‌ی پیشگیری از جرم انجمن فرانسوی امنیت شهری را دریافت کرد. در قالب این برنامه، جوانان گروه هدف، توانستند به موفقیت‌هایی از جمله افزایش اعتماد به نفس، ایجاد انگیزه جهت انجام یک کار، چگونگی انطباق با گروه و انجام کارگروهی و زندگی جمعی، تجربه اولین کار اقتصادی و آشنا شدن با واقعیت‌های دنیای کار دست یابند.» (ابراهیمی (الف)، ۱۳۹۰: ۶۸) جامعه‌ی ما به برگزاری چنین کارگاه‌های آموزشی، نیازمند است. بخشی از سیاست‌های دولت و تخصیص بودجه، باید در راستای اجرای این کارگاه‌ها انجام گیرد. جهت اطلاع‌رسانی و تشویق مردم به شرکت در این کارگاه‌ها، باید به طور رایگان، توسط مربیان ماهر و آگاه در سطوح مختلف شهرها، مدارس، دانشگاه‌ها و... برگزار شود.

راه دیگر جهت حل خلأهای موجود در ساختار اجتماعی، ایجاد و تقویت تعلق جایگاه اجتماعی به افراد، متناسب با شایستگی‌ها و تخصص‌های آنهاست که با استفاده

از ابزارهای مشروع به دست آمده است. رسیدن به این نقطه، مستلزم دگرگونی ساختارهای اجتماعی از طریق برابر کردن و توزیع فرصت‌های مشروع، برای به دست آوردن موفقیت از جمله موفقیت مادی است. ضمن اینکه بررسی ساختارهای فرصت نامشروع، مستلزم بررسی ساختار اجتماع و فرهنگ، است.

بنابراین، نباید فراموش کرد که «دستیابی به توسعه اقتصادی همه جانبه، مستلزم توسعه‌ی متوازن همه‌ی نظام‌های اجتماعی است و هرگونه مداخله نامتناسب در هر یک از نظام‌ها سبب برهم خوردن توازن مورد انتظار شده، در نهایت تحقق توسعه‌ی همه جانبه و حتی تحقق توسعه‌ی قضایی را با چالش روبه‌رو خواهد ساخت.» (فیروزمنش، ۱۳۸۵: ۱۶۴)

بنابراین به منظور رسیدن به چنین هدف بزرگی، به برنامه‌ای منسجم و همکاری همه جانبه‌ی اعضای جامعه در سطوح خرد و کلان نیازمندیم. انجام پروژه‌ها و پژوهش‌ها به وسیله استادان و دانشجویان در جهت دریافت نیاز اعضای جامعه و فرهنگ حاکم بر آن‌ها به شکل کاربردی می‌تواند مثمر ثمر باشد.

۳.۳. پیشگیری وضعیت مدار مبتنی بر تغییر در وضعیت‌های ارتکاب جرم

اقدام‌های وضعی پیش‌گیرنده، ناظر به اوضاع، احوال و شرایطی است که مجرم را در آستانه‌ی ارتکاب جرم قرار می‌دهد. «این اوضاع و احوال که در جرم‌شناسی وضعیت‌های ماقبل بزهکاری یا وضعیت‌های پیش‌جنایی نام دارند، فرآیند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه را تحریک یا تسهیل کرده و نقش تعیین‌کننده‌ای در آن ایفا می‌کنند.» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۸۱-۵۸۰) بنابراین، در پیشگیری وضعی با حفاظت از بزه‌دیده یا آماج (سیبل) جرم، ارتکاب جرم را دشوار کرده و خطر ناشی از آن بالا می‌رود تا بزهکار را از اجرا کردن یا ادامه دادن نقشه‌ی مجرمانه منصرف سازد.

۳.۳.۱. اتخاذ اقدامات برای کاهش منافع و دستاوردها: از راهکارهای پیشگیرانه ناظر به جرم فعالیت در شرکت‌های هرمی، در قالب پیشگیری وضعی، می‌توان به کاهش فرصت وقوع جرم از طریق تدوین قانون منسجم مربوط به بازاریابی و نظارت دقیق بر

اجرای آن و حتی توسل به طرق قهرآمیز، از جذب افراد به سوی این شرکت‌ها کاست. لازم به ذکر است که اگر نسبت به عملکرد طرح‌های سوددهی بازاریابی شبکه‌ای نظارت کافی صورت نگیرد، به راحتی قابلیت تبدیل این فعالیت سالم به یک فعالیت ناسالم در قالب شرکت هرمی وجود دارد. به عنوان نمونه طرح سوددهی باینری یکی از جذاب‌ترین این طرح‌هاست. این طرح از فرمول تصاعد هندسی به شکل $1+2+4+8+16+32+\dots$ بهره می‌برد که اعضای هر سطح دو برابر سطح قبل هستند؛ بنابراین در این طرح، هر فرد با فعال کردن دو زیرشاخه می‌تواند از فعالیت‌های زیرمجموعه‌ی خود تا سطوح نامحدودی، پاداش دریافت کند. البته قانون تعادل و قانون سقف درآمد از محدودیت‌های این طرح می‌باشد.

سرعت و قدرت رشد باینری، می‌تواند سبب ترغیب اعضا به عضوگیری به جای فروش کالا شود. به همین دلیل حتی در آمریکا استفاده از این طرح، محدودیت‌های سخت و قانونی را به دنبال داشته است؛ لذا شرکت‌های کمتری از این طرح استفاده می‌کنند. (اصغری و فقیه، ۱۳۸۷: ۱۸۷-۱۸۵)

با این وجود، به نظر می‌رسد می‌توان با اعمال مقرراتی ناظر بر این طرح، از سوق دادن آن به سمت شرکت‌های هرمی جلوگیری کرد. مثلاً می‌توان با افزایش پورسانت‌های حاصل از فروش مستقیم و کاهش پورسانت‌های حاصل از فروش زیرمجموعه‌ها به صورت سیر نزولی هر سطح نسبت به سطح دیگر، از ترغیب افراد به سمت عضوگیری به جای خرده‌فروشی کاست.

۳.۳.۲. حذف معاذیر: راهکار دیگر، شناختن مسئولیت حقوقی - کیفری برای این شرکت‌ها به عنوان شخص حقوقی است. متأسفانه در ماده‌ی قانونی به مسئولیت کیفری و حتی حقوقی، به منظور پرداخت خسارات بزه‌دیدگان، اشاره‌ای نشده است. با اینکه چنین پیشنهادی صبغه کیفری دارد و ممکن است ارتباط آن با پیشگیری وضعی مشخص نباشد اما از آنجا که «روابط پیچیده اقتصادی و ساختار بسته و متشکل اشخاص حقوقی به ویژه شرکت‌های تجاری بزرگ اجازه می‌دهد که در جرائم اقتصادی بدون اینکه مسئولیت حقیقی معینی قابل احراز و اثبات باشد، در قالب شخص حقوقی ارتکاب یابد

و از آنجا که نفع حاصل از این جرائم به اشخاص حقوقی و سهامداران آن‌ها می‌رسد، تنها با احساس مسئولیت سهامداران، شرکا و مدیران این اشخاص است که می‌توان به کنترل آن امیدوار بود.» (خداییان چگنی، ۲۹۳: ۱۳۹۱)

به همین جهت افراد در قالب شرکت‌ها و تشکیل شخصیت حقوقی راه‌گریز از قانون را یافته بودند و به این بهانه و عذر که پول به حساب شرکت واریز شده و سود و دستمزد را شرکت می‌دهد، از زیر بار مسئولیت آن‌شانه خالی می‌کردند تا جایی که غالباً قضات، مجبور می‌شدند که کسانی را ملزم به پرداخت خسارت کنند که به طور مستقیم از زیرمجموعه‌ی خود پول دریافت کرده بودند. به عنوان مثال، اگر (الف) برای عضویت به (ب) پول داده و زیرمجموعه‌ی او شده بود، در صورت در دسترس بودن (ب) باید خود او از عهده‌ی جبران آن بر می‌آمد. در حالی که در بیشتر موارد (ب) هم یکی از متضررین بود و تمامی سرمایه‌ها را به سرشاخه داده بود و نمی‌توانست خسارات وارده را جبران کند. اگر هم (ب) متواری بود، (الف) نمی‌توانست از سرشاخه‌ها سرمایه‌ی خود را پس بگیرد و در صورت مطالبه هم با این ایراد که مسئول پرداخت سرمایه کسی است که پول به طور مستقیم به وی داده شده است، مواجه می‌شد.

ضمن اینکه با این وضعیت، شرکت هم تا مدت‌ها پا برجا بود. به عنوان نمونه تعدادی از اعضای شرکت وست‌ویژن را دستگیر می‌کردند و حکم هم در موردشان صادر می‌شد ولی سرشاخه‌هایی که متواری بودند، در جایی دیگر به گسترش مجموعه‌های خود ادامه می‌دادند. البته با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۹۲ و شناختن مسئولیت کیفری برای شرکت‌ها (ماده ۲۰ و ماده ۱۴۳ قانون مذکور) این خلأ به تازگی تا حدودی رفع شده و هم‌چنین با مسئولیت اشخاص حقیقی نیز قابل جمع است. یکی از راه‌هایی نیز که کمیسیون فدرال تجارت آمریکا جهت مبارزه با شرکت‌های هرمی اتخاذ کرده، شناختن مسئولیت حقوقی و کیفری برای شرکت‌های فعال در زمینه بازاریابی شبکه‌ای است. این کمیسیون جهت مبارزه با این جرم، اقدامات پیش‌گیرنده در قالب پیشگیری وضعی را اتخاذ نموده است. با حمایت از حقوق مصرف‌کننده و وضع قوانین جهت تقویت موضع وی و اطلاع‌رسانی به اشخاص به طور غیرمستقیم کارکرد این شرکت‌ها را خنثی ساخته است. (pareja, 2008: 84-130). بنابراین با شناختن مسئولیت حقوقی و

کیفری برای اشخاص حقوقی در کنار مسئولیت اشخاص حقیقی راه‌گزینی برای افراد نمی‌ماند.

۳.۳.۳. تقویت و حفاظت از آماج: با تقویت آماج جرم، به تلاش و زحمت بزهکاران جهت ارتکاب جرم افزوده می‌شود و از این طریق می‌توان آنان را از ارتکاب جرم منصرف ساخت. با در نظر گرفتن بزه‌دیده‌ی این جرم به عنوان آماج، باید گفت که با اطلاع‌رسانی و افزایش آگاهی افراد نسبت به تشخیص یک طرح هرمی، موضعشان تقویت می‌گردد و از آمار این جرائم کاسته می‌شود.

در جهت کمک به بزه‌دیده و تقویت موضع وی، می‌توان با شناسایی سایت‌های شرکت‌های هرمی توسط کمیسیون متشکل از کارشناسان، یا این‌گونه سایت‌ها را بست یا تدابیر هشداردهنده‌ای در قالب تصاویر، بر صفحات این سایت‌ها اعمال کرد تا فرد را از جستجوی یافتن و یا تشخیص یک شرکت سالم از ناسالم، بی‌نیاز نماید. ضمن اینکه با اعطای مجوز بر اساس بررسی دقیق شرکت‌های مدعی طرح بازاریابی شبکه‌ای، می‌توان اسامی آن‌ها را در سایت معتبر تحت نظارت قوای سه‌گانه منتشر نمود. از این طریق، هم از افراد و هم از بازاریابی شبکه‌ای حمایت می‌شود. همچنین می‌توان از طریق مراجع معتبر نسبت به ارائه خدمات مشاوره‌ای پیش از بزه‌دیده واقع شدن و نیز خدمات حمایتی در فرایند دادرسی کیفری - پس از بزه دیده شدن - اقدام کرد.

در نهایت باید گفت که ترکیبی از واکنش‌های کیفری و غیرکیفری، ضمن اینکه از تمایل افراد به سمت ارتکاب این قبیل جرائم می‌کاهد، برخورد منعطفی را در خصوص بزهکاران مختلف با شرایط خاص خود، پیش‌روی قضات می‌گذارد و از برچسب «مجرم» زدن بر تعداد کثیری از افراد جامعه می‌کاهد. همچنین با وجود واکنش‌های کیفری، جامعه در قبال مؤسسان اصلی این شرکت‌ها که به جهت ارضای حس فزون‌خواهی و طمع خود در پی کسب اموال بادآورده هستند، خلع سلاح نمی‌شود و می‌تواند در مواقع لزوم، تدابیر کیفری را در موردشان اعمال کند.

۴. نتیجه و پیشنهاد

علل و عوامل وقوع پدیده‌ی شرکت‌های هرمی را می‌توان در دو دسته علل و عوامل

فردی و ساختاری تبیین نمود. وجود خلأ در شخصیت افراد و نیازهای آنان از یک طرف و ضعف ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه از طرف دیگر، محیط مناسبی را برای رشد این شرکت‌ها فراهم کرده است. در این شرکت‌ها به شکوفایی و رشد شخصیتی افراد، مورد تحسین و تشویق قرار گرفتن، استقلال عمل و کنترل فرد بر کار خویش، خطرپذیری و ماجراجویی به عنوان نیاز افراد، به شیوه‌ای هوشمندانه پاسخ گفته می‌شود. فضای ایجاد شده ناشی از حمایت و کار گروهی و اهمیت برقراری ارتباط، قوه‌ی جاذبه‌ای را فراهم می‌کند که قانع ساختن افراد را نسبت به نادرست بودن فعالیت، دشوار می‌سازد. عدم احساس امنیت نسبت به آینده به ویژه در امور اقتصادی، تقویت سودجویی، اشاعه‌ی فرهنگ مصرف‌گرایی و توجه افراطی به سرمایه‌گذاری و کسب سود حاصل از آن، از دلایل مهمی است که افراد را به این نوع فعالیت تشویق می‌سازد. بالا بودن هزینه‌های زندگی در ایران در مقابل درآمدهای ناکافی، افزایش بیکاری و عدم سازوکارهای مناسب اشتغال‌زایی از جمله خلأهای اساسی در نظام اقتصادی به شمار می‌آید که زمینه مساعدی را برای گرایش افراد به سوی این شرکت‌ها فراهم می‌سازد. عدم ثبات ساختار اقتصادی و عبور از مرحله اقتصاد دولتی به اقتصاد آزاد، بر آسیب‌پذیرتر شدن نظام اقتصادی افزوده و رخنه فسادهای مالی - اداری ناشی از این بی‌ثباتی، از اعتماد اعضای جامعه نسبت به مسئولان و قوانین کاسته است. لذا فرهنگ منفعت‌طلبی فردی و ترجیح آن بر منفعت جمعی اشاعه یافته است. نابرابری و بی‌عدالتی موجود، موجب کاهش اعتقاد بیشتر اعضای جامعه به ارزش‌ها گشته؛ به گونه‌ای که رسیدن به هدف بدون توجه به ابزار آن، به دغدغه اصلی‌شان تبدیل شده است؛ بنابراین، برای رسیدن به اهداف، به ویژه اهداف مادی، از توسل به ابزارهای نامشروع هراسی ندارند و واکنش خود را نسبت به کمبودهای موجود، به این صورت نشان می‌دهند. وضعیت نامطلوب قشر تحصیل‌کرده، نبود آینده شغلی، حاکمیت رابطه‌ی سالاری به جای شایسته‌سالاری در نظام اشتغال کشور، از دلایل اصلی گرایش قشر دانشجو و تحصیل‌کرده به سمت این شرکت‌ها به شمار می‌آید.

به منظور پیشگیری و حل این معضل، می‌توان به راهکارهای ناشی از پیشگیری اجتماعی و وضعی رو آورد. رو آوردن به راهکارهای ناشی از پیشگیری اجتماعی که با اصلاح ساختار اقتصادی - اجتماعی محقق می‌شود، می‌تواند ریشه‌ی این بزه را بخشکاند.

فراهم کردن فضای رقابتی سالم، ایجاد زمینه‌های مساعد برای سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران و حمایت از آنان، ضمن کنترل مطلوب فعالیت‌ها جهت انحصار زدایی، به اصلاح ساختار اقتصادی و سرعت بخشی مرحله گذار اقتصادی کمک می‌نماید و زمینه‌های اشتغال را فراهم می‌سازد. توجه به مهارت و تخصص افراد و انتخاب مدیران مدبر بر مبنای شایستگی آن‌ها از مهم‌ترین مواردی است که می‌تواند نابرابری موجود را بکاهد و به هرکس بر مبنای لیاقت‌هایش، امتیاز اعطا نماید. بدین ترتیب، فرهنگ کار و تلاش به جای راحت‌طلبی نهادینه می‌شود و رابطه‌ی سالاری در پیشرفت و ارتقای سطح زندگی رنگ می‌بازد. حمایت صحیح و کارآمد از بازاریابی شبکه‌ای سالم، نیز در اشتغال‌زایی و تغییر رویکرد افراد در شرکت‌های هرمی به سمت فعالیت‌های سالم اقتصادی، به عنوان نوعی راهکار پیشگیری وضعی مناسب است. ارتقا آگاهی عمومی جهت تمییز شرکت‌های هرمی از بازاریابی شبکه‌ای، مانع مؤثری در مقابله با این پدیده به شمار می‌رود.

پی‌نوشت‌ها

- ^۱ این موارد از مزایای بازاریابی شبکه‌ای (سالم) است اما شرکت‌های هرمی جهت مشروع جلوه دادن خود از این مزایا استفاده می‌کنند.
- ^۲ بر اساس نظریه انسان‌گرایی مازلو، طبقه‌بندی نیازهای اساسی انسان بر اساس اولویت بیانگر آن است که ارضای نیازهای هر فرد مفهوم رضایت وی از زندگی را فراهم می‌آورد. نیازهای فیزیولوژیک، امنیت، تعلق و عشق، عزت نفس، شناختی، زیباشناختی و خودشکوفایی
- ^۳ عده‌ای معتقدند این جمله ضرب‌المثل عربی بوده اما عده‌ای آن را حدیث نبوی می‌دانند. (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، جلد ۱۰۲، ص ۷، در سایت: www.islamquest.net/ganjineh_pasokh/hadis/derayatol) (hadis)

منابع

- آقابابایی بنی، اسماعیل (۱۳۸۹)، *مسائل فقهی و حقوقی شرکت‌های هرمی*، قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- اصغری، جمشید و فقیه، صدیقه‌السادات (۱۳۸۷)، *بررسی علمی و حقوقی بازاریابی شبکه‌ای*، تهران: مجد.

ابراهیمی (الف)، شهرام (۱۳۹۰)، *جرم‌شناسی پیشگیری*، جلد اول، تهران: میزان.
 _____ (ب). (۱۳۹۰)، «مطالعه تطبیقی مدل‌های پیشگیری از جرم: خاستگاه و تأثیر
 و تحولات»، مجموعه مقالات همایش ملی - علمی - کاربردی پیشگیری از وقوع
 جرم قوه قضاییه مشهد اسفند ۸۸، جلد دوم، مشهد: دادگستری کل استان خراسان
 رضوی و میزان.

پیکا، ژرژ (۱۳۸۹)، *جرم‌شناسی*، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان.
 خداییان‌چگنی، ذبیح‌الله (۱۳۹۱)، *تحلیل جرم‌شناختی جرائم اقتصادی در حقوق کیفری
 ایران*، رساله‌ی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
 ذکایی، محمدسعید و اسماعیلی، محمدجواد (۱۳۸۴)، «انگیزه‌ها، فرآیندها و کارکردهای
 فعالیت جوانان در بازاریابی شبکه‌ای»، *مجله‌ی رشد آموزش علوم اجتماعی*، ۳۳ -

۱

رضوان دوست، امیر (۱۳۹۰)، *رابطه بی‌عدالتی با جرائم علیه اموال*، پایان‌نامه کارشناسی
 ارشد دانشگاه شهید بهشتی.

زیگلار، زیگ و پ هیز، جان (۱۳۸۹)، *از سیر تا پیاز بازاریابی شبکه‌ای*، مترجمین: زینب
 فرجی و مصطفی عابدینی‌فر، تهران: نشر ذهن‌آویز.

شیخاوندی، داور (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی انحرافات و انحرافات جامعه‌ی*، تهران: نشر
 قطره.

فیروزمنش، افشین (۱۳۸۵)، *نقش مداخله کیفری در توسعه اقتصادی*، پایان‌نامه
 کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع).

کریمی، مهدی (۱۳۸۵)، *رویکرد حقوق جزا نسبت به مقابله با اخلال در نظام اقتصادی*،
 پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه قم.

لشکری، علی‌رضا (۱۳۸۸)، *تجارت و نابرابری در بستر جهانی‌سازی*، قم: پژوهشگاه
 حوزه و دانشگاه.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳)، «پیشگیری عادلانه از جرم»، *علوم جنایی (مجموعه
 مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)*، تهران: انتشارات سمت.

نظری، حسن‌آقا (۱۳۹۰)، *مبانی بخش عمومی در اقتصاد اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

نورزاد، مجتبی (۱۳۸۹)، *جرائم اقتصادی در حقوق کیفری ایران*، تهران: انتشارات جنگل - جاودانه.

وایت، راب و هینز، فیونا(الف). (۱۳۸۵)، *جرم و جرم‌شناسی (متن درسی نظریه‌های جرم و کج‌روی)*، مترجم: علی سلیمی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

_____ (ب). (۱۳۷۹)، «بررسی و نقد جرم‌شناسی مارکسیستی»، *مجله‌ی امنیت*، سال چهارم، ۱۱ و ۸۳: ۱۲-۷۲.

ولد، جرج؛ برنارد، توماس و اسنیپس، جفری (۱۳۸۱)، *جرم‌شناسی نظری*، مترجم: علی شجاعی، تهران: انتشارات سمت.

ویلیامز، فرانک‌پی و مک‌شین، فاری‌لین (۱۳۸۶)، *نظریه‌های جرم‌شناسی*، مترجم: حمیدرضا ملک محمدی، تهران: میزان.

همایش بررسی جنبه‌های فرهنگی - اجتماعی بازاریابی شبکه‌ای در ایران با نگاهی ویژه به عملکرد شرکت گلدکوئیست (۱۳۸۵)، تهیه و تنظیم فرحناز ورکیانی، *مجله رشد*

آموزش علوم اجتماعی، ۳۱: ۴-۹

کلاس‌ه پرونده‌های شعب ۱۰۲ و ۱۱۱ دادگاه عمومی جزایی شیراز و شعبه ۴ دادرای ناحیه ۲ شیراز:

(۸۷۰۵۹۷)، (۸۷۱۲۷۰)، (۸۷۰۶۴۷۱)، (۸۷۰۳۷۹)، (۸۷۰۰۹۱)، (۸۷۰۲۹۸)، (۸۷۰۰۸۷)،
(۸۷۰۹۴۵)، (۸۷۰۵۵۵)، (۸۸۰۵۰۹)، (۸۹۰۳۹۵)، (۸۹۰۶۰۷)، (۸۹۰۲۵۲)، (۹۰۰۱۳۱)

ب. انگلیسی

Pareja, Sergio, (2008), "Sales gone wild: Will the FTC's business opportunity rule put an end to pyramid marketing scheme?", *University of the Pacific, McGeorge School of Law Review*, vol.39, 83-130, in site: www.ssrn.com.